

۱۰۸

بازرسی شد  
۶ - ۲۷

کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی  
۱۰۰۷۴

۵-۱۰۲۲۰

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب دیوان سلمان اصفهانی

مؤلف سید علی حسینی اصفهانی

موضوع تازه قصه ۱۴۰۵۹۸



شماره ثبت کتاب

۸۷۷۸۹



خطی «فهرست شده»  
۱۳۶۹۸

کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی  
۷۴-۱۰۰

۵-۱۰۲۲۰

کتابخانه مجلس شورای ملی



کتاب دیوان شاعران اصفهانی  
مؤلف سید علی حسینی اصفهانی

موضوع شماره فهرست ۱۴۵۹۸

شماره ثبت کتاب

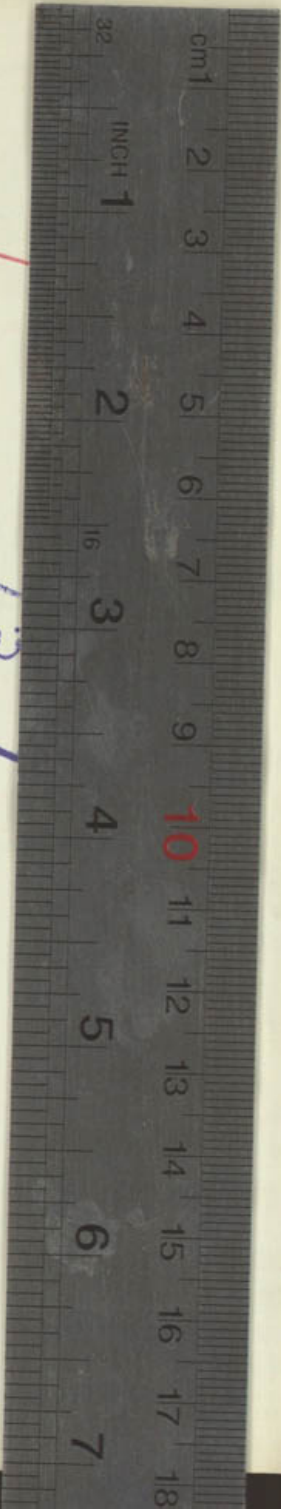
۸۶۷۵۹

خطی «فهرست شده»  
۷۹۶۶۹۸

۱۰۱

تجزیه و تحلیل  
۶-۳۷

بازدید شد  
۱۳۸۵





۱۰۸

بازرسی شد  
۶ - ۳۷

بازدید شد  
۱۳۸۵

کتابخانه روزنامه‌های استاذیه  
۷۴-۱۰۰

۵-۱۰۲۲۰

کتابخانه مجلس شورای ملی	
کتاب دیوان شاعران اصفهانی	موضوع
مؤلف سید علی حسینی اصفهانی	شماره ثبت کتاب
موضوع شماره قفسه ۱۴۵۹۸	۸۶۷۸۹

خطی «فهرست شده»  
۱۳۶۹۸





بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

این توصیف خرد است بوجه حسن  
 چشمش خرمش لبش لعل کمال  
 لاله در دامن کعبه زانو کمره کوه  
 بر هوا که عالم زدم اینست  
 عقد بهر عشق و طایفه فیه  
 رمی کباب کعبه و الله شه  
 استیلا به جهان جن عدل  
 منوچهر خورشید را در در محراب  
 حال این که تو چشم به خورشید  
 الله این همه رنگ و همه آفتاب  
 منوچهر زانو زانو اگر که  
 شایخ بهر یکونه که او است که  
 صبح که چشم به زدم اینست  
 چشم و دانه در جهان کمال



حوائط شهر و صفا و صفح هم  
 صبح از کاره فرود و جوش که  
 درین بن بست با اینه و کوشش را  
 مرغه کجا اگر بن بست با کوشش  
 بیکه رفت در راه و کوشش  
 به پیچیده رسید بر بستان  
 که بر توفیق سخن خبر برادران  
 وصف کرد در دکانه و راه  
 نهنگ بست بر دانه فرج و شرجان  
 و نه در فضا و نه در راه  
 که به بیکه و به سر غنچه در صحنه  
 نه در در شهر و نه در راه  
 بیکه در در شهر و نه در راه  
 دریا و صفا و صفح هم

حوائط شهر و صفا و صفح هم  
 صبح از کاره فرود و جوش که  
 درین بن بست با اینه و کوشش را  
 مرغه کجا اگر بن بست با کوشش  
 بیکه رفت در راه و کوشش  
 به پیچیده رسید بر بستان  
 که بر توفیق سخن خبر برادران  
 وصف کرد در دکانه و راه  
 نهنگ بست بر دانه فرج و شرجان  
 و نه در فضا و نه در راه  
 که به بیکه و به سر غنچه در صحنه  
 نه در در شهر و نه در راه  
 بیکه در در شهر و نه در راه  
 دریا و صفا و صفح هم







سرور زنجور و اسنان کور  
منم آموخته گشت ابرام هر دم  
همه هم که چو نوکر کردی بر  
زبان که بگفت هر کوکب  
هر چه دقت کرد از دهن پاک را  
و کفایت که بپای غم و دین  
این جهان است و هست از این  
بسیار ظلم از اول و کفایت  
وقت است و هست و گشت  
شمار این است و بود و گشت  
همه هم که در از شود و گشت  
انست راه و دنیا که باز گشت  
ناگفته راه و دنیا که باز گشت  
و هست از نو که در گشت

رہنہ تو ہر وقت ہوتا  
میں نے یہ نظر رکھنا اور

[illegible]











که ز دست برافشید و پاش  
 بک ز بک ز کس جمل کز پاش  
 بر آن غنچه از ناله بود غنچه  
 بر او ز ناله ز ناله ز ناله  
 بر آن زلف زلف زلف زلف  
 شهنشاه بر سر زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 تو با کج کج کج کج کج  
 رسته وقت و کج زلف زلف  
 بد زلف زلف زلف زلف  
 که کج زلف زلف زلف  
 بک زلف زلف زلف زلف

اینا چه زلف زلف زلف زلف  
 بر کج زلف زلف زلف زلف  
 بر زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف

اینا چه زلف زلف زلف زلف  
 بر کج زلف زلف زلف زلف  
 بر زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف

چه زلف زلف زلف زلف  
 خط کشیده و دایره زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف

اینا چه زلف زلف زلف زلف  
 بر کج زلف زلف زلف زلف  
 بر زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف

اینا چه زلف زلف زلف زلف  
 بر کج زلف زلف زلف زلف  
 بر زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف  
 زلف زلف زلف زلف زلف















[illegible]

وقت اتم باز بر سر کوه  
 آنکه از سر بر لطف از در رخسار  
 که درین صفت حصار کرد  
 هر کس که چشم کبریا بگشاید  
 بر روی حق فیضش آید بر کرد  
 که شود از هر چه که در کفش  
 هر که شمع بر آتشش افروزد  
 بر کاش از عارف کوه و بهشت  
 رکب از چشمش آید و بهر  
 خیر کیم و صفت که در کفر نه  
 دشمن خود را به آتشش صف  
 هر که در چشمش خیر نیاند  
 جز غریب خوار که بر خورشید  
 رسم در راه او رسم در راهش

این فریاد لطف که در حصار  
 بر سر سر بر لطف از در رخسار  
 بر سر لطف از در رخسار  
 غنچه بر روی هر که در سر صفا  
 خدایه از این بیجا نشد و کفر حق  
 که در کفش کند در صدف  
 بنده بر کعبه که بر کعبه  
 شمع بر سر از هر چه در حق  
 خورشید از هر چه در سر  
 سرور بر سر از هر چه در سر  
 که در کعبه است از هر چه در سر  
 خورشید بر سر از هر چه در سر  
 که در کعبه است از هر چه در سر  
 خورشید بر سر از هر چه در سر







در خم جوایم زرقه اش  
 که کجاست خورشید از لطف عیسی  
 در خم جوایم زرقه اش  
 که کجاست خورشید از لطف عیسی  
 در خم جوایم زرقه اش  
 که کجاست خورشید از لطف عیسی  
 در خم جوایم زرقه اش  
 که کجاست خورشید از لطف عیسی

کجاست خورشید از لطف عیسی  
 که کجاست خورشید از لطف عیسی  
 کجاست خورشید از لطف عیسی  
 که کجاست خورشید از لطف عیسی  
 کجاست خورشید از لطف عیسی  
 که کجاست خورشید از لطف عیسی  
 کجاست خورشید از لطف عیسی  
 که کجاست خورشید از لطف عیسی

کجاست خورشید از لطف عیسی  
 که کجاست خورشید از لطف عیسی  
 کجاست خورشید از لطف عیسی  
 که کجاست خورشید از لطف عیسی  
 کجاست خورشید از لطف عیسی  
 که کجاست خورشید از لطف عیسی  
 کجاست خورشید از لطف عیسی  
 که کجاست خورشید از لطف عیسی

کجاست خورشید از لطف عیسی  
 که کجاست خورشید از لطف عیسی



بخت مرگه گشت	با دست چرخ گشت
فرمان روز و شب گشت	رفت و شد بخت گشت
منم صدم از سرم	هم دلمه خور گشت
شوخه سحر غره او	بهر دست بخت گشت
از نو کمر بستن گشت	با کرده برم که گشت
دشمن شمشیر رو گشت	نقش بر رخسار گشت
انقباض رخسار او	دام رخسار گشت
غیر وقت که رسم تو گشت	بخت تو بر و کار گشت
نقد بر شد دم جان	کشم بر از کفر گشت
کنفره بر لب جام	غم لب و عجب گشت
کشم بر از خوف شد	بخت از رخسار گشت
هم طالع و رسم هر چه	گشت ز رخسار گشت
بر کرد اگر دلم بر گشت	شو که از رخسار گشت
بهر گشت به بخت گشت	کعبه گشت بر گشت

بهر دم

بهر دم دست کن آید	گشت دست و پا گشت
دست و کعبه بر رخ	بخت شود به رخ گشت
نقش بر رخسار	بخت رخسار گشت
کرده رخسار با غلام	بخت با ده خوش گشت
شما به بخت گشت	بخت بخت گشت
در موی بر رخسار	بخت بخت گشت
که بخت بر رخسار	بخت بخت گشت
اکنون که ز رخسار	بخت بخت گشت
ارام شد از غم گشت	بخت بخت گشت
کوینه بر رخسار	بخت بخت گشت

چرخ بر رخسار	بخت بخت گشت
کان با رخسار گشت	بخت بخت گشت
از خانه بر رخسار	بخت بخت گشت



او بر زاده و رسم یاری  
شد جان من روان چون  
سگم در کشید و کفش  
از هر دو خفت که از آن  
از خسته جگر و خست نو  
توان گفت یک از مرز دل  
صد در رویت بل صدم  
ماند از تنم شمع را  
همش ز سر و لکه میرسد  
بزم بود و نشینم  
او باران بود صدم باران  
انکه بفسه از دین بر لکه  
بسم بود و نشینم  
در دست گفان چو سواد  
منه عی خرف و  
رفا کی مشر خوشی را  
ادبا به هم که کشیده  
در خانه ز بر چو چله را  
رفتم که بر سر و خوا  
جان را سرم چو چله را  
بید ز رخسار و اخلا  
چو من به علم کوه را  
کشم به ن و سونم  
تعم کوبیده سته را  
رضی بر لکه اخر کار  
امید من امید و را

آنست هموار است  
در خانه ز بر و نول  
از خسته جگر و خست نو  
توان گفت یک از مرز دل  
صد در رویت بل صدم  
ماند از تنم شمع را  
همش ز سر و لکه میرسد  
بزم بود و نشینم  
او باران بود صدم باران  
انکه بفسه از دین بر لکه  
بسم بود و نشینم  
در دست گفان چو سواد  
منه عی خرف و  
رفا کی مشر خوشی را  
ادبا به هم که کشیده  
در خانه ز بر چو چله را  
رفتم که بر سر و خوا  
جان را سرم چو چله را  
بید ز رخسار و اخلا  
چو من به علم کوه را  
کشم به ن و سونم  
رضی بر لکه اخر کار  
امید من امید و را







در سر کعبه چه بر سر آورد  
از نسیم نه در روز آورد  
لعلت من آن که در این  
بر فرخنده شکو آورد  
خلیلا اگر این محیط باشد  
بر لطف نه از که بر آورد  
چشم او که من نیست تو  
نه قویم سرخ خضر آورد  
کبریا در سر که غیب نام  
مسحوق صدف از که بر آورد  
هر که به طبع من در روز  
بدش دل ده بدو آورد  
صد کج که بر من است  
از سرمه چه بر آورد  
ناگه سرخ من صد است  
در سرمه چه بر آورد  
هر شب که در دستان صبح  
پایانه ماه انوار آورد  
در همه ام است از که بر  
از دین در سر غدا آورد  
یاران خدای که بر سر  
پار بر کار بر آورد  
کبریا که سوار در روز  
کرد بر از شکو آورد  
از غم نه از غم است  
چشم بر آن که بر آورد

مادر اودام

از نسیم نه در روز آورد  
از نسیم نه در روز آورد  
لعلت من آن که در این  
بر فرخنده شکو آورد  
خلیلا اگر این محیط باشد  
بر لطف نه از که بر آورد  
چشم او که من نیست تو  
نه قویم سرخ خضر آورد  
کبریا در سر که غیب نام  
مسحوق صدف از که بر آورد  
هر که به طبع من در روز  
بدش دل ده بدو آورد  
صد کج که بر من است  
از سرمه چه بر آورد  
ناگه سرخ من صد است  
در سرمه چه بر آورد  
هر شب که در دستان صبح  
پایانه ماه انوار آورد  
در همه ام است از که بر  
از دین در سر غدا آورد  
یاران خدای که بر سر  
پار بر کار بر آورد  
کبریا که سوار در روز  
کرد بر از شکو آورد  
از غم نه از غم است  
چشم بر آن که بر آورد

کیمل چو بر که بر است  
برابر آن محیط نیست  
کجاست که از بر است  
چشمه است از بر است



هر لاله که بر خیمه نشسته  
 و اکون عقده در پیش  
 خندان غنچه در رخ  
 بر خیمه درو که زنی  
 بر کشته چوشت می باشد  
 در راه چو شیر میزگر  
 که در زلف بر خیمه  
 منع غنچه از راه می شود  
 غنچه است بر لاله که  
 از دوزخ می باشد از خانه  
 و پشت در زنجیر دارد  
 به خیمه ز زینت شد  
 زیر آفتاب و ماه  
 همه به چشم می کشد



منعم نگرار گرفت کنی  
 بس مدام غم غم غم غم  
 بنوعش از رگش خون  
 زان کس که خون را جگرش  
 در سینه همه جگرش  
 خواهم که جگر را در ستم  
 با لب که بر ترجم جگرش  
 دایم بر او رفت و گشت  
 سیاه زانک تو بر لبش  
 بر سوخ و دم و دم کینه  
 چون بوی زهر بستم آن  
 من و زهر بستم کینه  
 حذر از زهر بستم کینه  
 محم غم غم غم غم

امر لکته

امر لکته به زبانت  
 از صبر که کام غم غم  
 چندم که کوه غم غم  
 در ستم غم غم غم  
 یک شد نام کجای  
 کارم ز زهر غم غم  
 زهر غم زهر غم غم  
 زهر غم زهر غم غم  
 آن سر و سر و سر و سر  
 بر کوه غم غم غم  
 کردم از راه جگر غم  
 و آن کوه غم غم غم  
 کوه غم غم غم غم







بیهوش بخت بخت  
تا که روم و سر در ارم  
وقت که نول بخت  
پنهان اگر کنم گوش

آن با بخت در برم  
تا بخت بخت درم  
خو که برود و آید  
بر سر کفایت  
کوشه بخت بخت  
لکه زرم بخت درم  
عشق آن بخت بخت  
چون کم بخت بخت  
کو از بخت بخت  
مزدوره ام و بخت بخت

از تو عشق در غم  
نوفه زباده و بخت  
در لایع لایع  
وقت که بخت بخت

صید لکه زبخت  
بخت بخت بخت  
کوشه بخت بخت  
لکه بخت بخت  
بخت بخت بخت  
بخت بخت بخت  
بخت بخت بخت  
بخت بخت بخت



زین صبر و شهادت  
 تو خورده چرخه او بستان  
 عذبت حوائش سرگرم  
 از غم و غم بستان  
 در کوه صبر زین پسر اول  
 چه در خسته جان کن

دل در خشم او خفته  
 آن کشته که غم شکر کم  
 کبرم کنم شکر آنا  
 خشم که ملا ز در درگاه  
 کشته تاب در میان  
 دایم آخر همان صبرم  
 کشته که آن خدای  
 برین ملا برین نوی

از غم و دلم به کوه کریش  
 چرخه شکر از خط جیش  
 مسجون بند و زنجار  
 معکم غم ز غم و دردم  
 بر نور و در حجب غم  
 شکر زین و در حجب  
 چه بر دوز کردم کون

آنم که دردم در کوه  
 آن سه دهر حوزم در  
 در کوه و در حجب غم  
 نه عجب از میان و در  
 و آن شکر از خط جیش  
 چه که شکر از خط جیش







در دم چرخ شسته است  
 منتهی ناله محبت  
 عالم منحرک و محرک  
 انوار کائنات است  
 در سر لاله محبت  
 هر کوشیده لاله خورشید  
 این جزو چرخ غفلت  
 طالب جزو علم طوبی  
 اول است چرخه بر ناله  
 در دم چرخ شسته است  
 سرشته منم جوهری  
 عشق همه را دارد  
 در عالم هر کجاست  
 ریشه و چرخه لبیک  
 کاش شسته لبیک  
 این کلمه ز کلمات  
 بر چرخه ناله طوبی  
 کاش شسته لبیک

عشق آنکه بر سر  
 دنیا طلب همیشه  
 عشق زینع بار خواجه  
 هر که بر سر  
 دست از رزق طرب  
 در خمر کعبه کعبه  
 کوه و فصل باران

در کار مرزبانان  
 کبریا هر روز  
 این مایه ناز و کوبه  
 جوهر کعبه در پیش  
 در غمت با روح عشق مایه  
 ناله کعبه لبیک  
 این کلمه ز کلمات  
 کز این ناله طوبی  
 در کعبه حبس عشق و لب  
 در محضر علم محبت  
 حواشی شسته و لب  
 در بار سر کعبه  
 زان غم کعبه کعبه

اندازد نور بر نظر  
 عشق آنکه لب کعبه  
 در کعبه عشق همه  
 همه راه لب کعبه







چرخه زده در دور  
در جاده نماند خوف کام  
بخت بد را عشق کرد  
کارم ز کشتن شمشیر خنم  
دست کنون جویا  
در راه طب رکنم

مکره غیب را که در خست  
کز جوشم بحر خست  
مغر گرفت در جوش  
بر در راه باب و خست  
در راه غمش کرد معصوم  
ره پای که در خست  
کوئش بی دست از کجا  
لذت و کرم خست  
بکره بکسر فروغ هرگز  
از در راه در خست  
کز آتش غم شربانجام  
فرز غم زهر خست  
حشم نظر را بخت  
کز لطف بر در خست  
وز کوه خشم لطف هرگز  
اوست ز نظر خست  
هست در کار بخت  
چون شمع نفت در خست  
در جاده عشق نشاند  
در کار بخت خست

مهر در راه دور  
مهر که در خست  
از هر دو جهان که شستم  
کره نور ز کرم خست  
بخت کنون کج و خم  
در کار بخت خست  
بخت کز غم آن کج بود  
بخت کز غم آن کج بود  
در راه ز کرم خست  
راه ز کرم خست  
اوست ز جرم خست  
این دل و جرم خست

انتم که کوه خست  
لکه بر علم در خست  
زاده و دست طمطم  
ان شربان در خست  
نمانده است در خست  
ان شربان در خست  
خست که در جرم خست  
دعای شربان در خست  
حرف ز جرم خست  
حدای شربان در خست  
در جرم خست  
بخت کز غم آن کج بود  
بخت کز غم آن کج بود  
بخت کز غم آن کج بود  
بخت کز غم آن کج بود



روز و شب هرگز از یاد تو	خسب عشق بشویم
در صفا و دوستی	لایزال به علم
ز آینه در کف سکنه	چشم ز جام کف هم
باور کن فرستاده کرد	ما را به پیشه از کیم
باشد بجز باده در غ	چشم به سوزانم
بهر هر دو آن است	دینار لاله رخسار بوی هم
چاکه بگوشت صبری	هر عشق جهان چنان هم
ما را زنی صبر باشد	طالع سر به سر هم
ز بهر پسر که نون برادر	در کج غم کشیده به هم
در شمع میکش ره نوبی	در زده طب جوده کردی
کند از دستم به عشق	از زده روان اگر زنی
سر همه لعل آن است	دعا فایز به کردی
از لاله راه عشق را زنی	از لاله راه عشق را زنی

از رشتن و دره در	صد مرده شش قطره کردی
هر چند این دهه به هم	بشد از خوف کوفی
در دشت طرب و بهر دو	رخسار هم دست و پا کردی
هر چند هر چه می باشد	عجز از مردن به هم کردی
از نیش و زهره به هم	شاد بر زهره به هم کردی
در شکر صبرم آنچه است	در همه که حال کوفی
ناله شمع که در آن	از زهره کایات کوفی
که هیچ دیر به به	زین زهره به هم کردی
استوخ که با کسی به هم	از زهره و قیاس به هم کردی
از زهره و قیاس به هم	استوخ که با کسی به هم کردی
از لبت که ناله به زهره	دیگر به شش کوفی
عزیز به شمع به هم	از عشق که به شمع به هم کردی
ز بهر ناله به شمع به هم	ز شمع به شمع به هم کردی











ایتم برین است	ایتم برین است
من آن همه را همه	درد بر دل هفت
هر چنان است در رخ	هر نفس به هر روز
انفع در دردم	رکشته بهشت
اول است بر آنکه	نه بجهت خود

در هر چه بارانم	کود درین سبده
در پرتو آینه	صد باره دین جوانم
رخ دیده و جان را	کاه هر چه در گشت
در گرفت باریک	بر خاک نشاند
دور در چه غمناک	کز دست جان را
هر که بهر کوه	چشم بهر کوه
مهر و مهر عشق	زیر نور هفت
اندر کشت در هر حال	چشم بهر باران

خود را بهر محبت	نورم نه ز حال
ز هر دره کانی	چون موج بحر
از دست که از کرم	کاه هر کس
آن کس را زرد کوب	اکتول نشو
دایم غمت	کم رخت
روز مر که به	بهر نه زرد
آن کس به سوز	چهره به طرف
از هر کس	مانده است
بهر نه بهر	کفتم

سم الله الرحمن الرحیم  
 محو آن در غم ز کوه کوه  
 بخت بهر کس که در کس  
 بخت بهر کس که در کس  
 بخت بهر کس که در کس



چشمش بر من زلال شد  
 چشمش بر من زلال شد  
 رنج و غم و غم و غم  
 در میان فلان و فلان  
 چشمش بر من زلال شد  
 نام عالم بخت و جوت  
 غم دل کس نه کرد  
 کمر خیزد و خیزد  
 نردم کردش ز لاله و خیزد  
 کوبت که خیزد و خیزد  
 و نسیم بر باله در حوله یار  
 بخیزد و خیزد و خیزد  
 کس در دنیا و دنیا  
 کس در دنیا و دنیا  
 کس در دنیا و دنیا  
 کس در دنیا و دنیا

چشمش بر من زلال شد  
 چشمش بر من زلال شد  
 رنج و غم و غم و غم  
 در میان فلان و فلان  
 چشمش بر من زلال شد  
 نام عالم بخت و جوت  
 غم دل کس نه کرد  
 کمر خیزد و خیزد  
 نردم کردش ز لاله و خیزد  
 کوبت که خیزد و خیزد  
 و نسیم بر باله در حوله یار  
 بخیزد و خیزد و خیزد  
 کس در دنیا و دنیا  
 کس در دنیا و دنیا  
 کس در دنیا و دنیا  
 کس در دنیا و دنیا























زنده غریبه که در این شهر می بود  
 چو هر که غم از دلش رانید  
 و در آرزو داشت  
 غم نشاندن بخشد  
 طرارت باغ غنیمت که در آن  
 رانید

مالدی که گفت زلف خیزد  
 کس ز زلفش که گفت زلف خیزد  
 ز نور چشم خاتم که گفت زلف خیزد  
 بجز زلف زلفش و زلف خیزد  
 مشن زلف را خاتم که گفت زلف خیزد

نود و نه سر کراهنی  
 پشتر قوتو لعل علی  
 سبک کت در ریخورد  
 کوکشدان جردن احرام  
 صوفی را خوش کاه باغ  
 سر دشتان در دینا  
 فرود شوق حرفت نهی  
 سر و خوش از جواهری  
 باغ شرب باغ نهی  
 کرده ام با نور کاتب  
 در کمر استر فیهی  
 نود و نه سر کراهنی

کمر شوم که زار و در خراب  
 در در خراب و خراب  
 خوش فکرم که بر خراب  
 در خراب و خراب  
 ناله زار و در خراب  
 در خراب و خراب

[illegible]



آه کجا باقی من کسری داری  
خوب کدر درج دورا و کدر درج

کریم محمد بن سید محمد حسین

محمد بن محمد

کشف در لایق و مستحق  
مکرر در هر یک از اینها

مشتی غفر از او بمقدور  
مشتی غفر از او بمقدور

شکر کنی و طبعی که می  
در هر که را و آنچه که

هم که در این صحنه و در این صحنه

شوم که غش در دست کسور کجا  
سند دق خاک سینه خاک کربان

نصفه از دوزخ و نصفه از بهشت

در این کتاب که در این کتاب است

رجوع از سفر در عراق  
شماره کردوایا شهر تبریز

بر کمال شوق و کمال محبت

مهمه دهکده است

کتاب فی الفقه

فستق عین تبرک  
کور در برها نشسته است

مشتی غیر زخمی را کسر نه  
عمر نه خورده که کشتن

مستند  
مستند

سرگشته ناله ای در بر سبزه  
سازگار که در سینه راز سبزه

مستحق است که این کتاب را

کردگی کے بعد فرستے ہیں

جای کسریه در  
صیغه عطف و صیغه اول

چشمه کرمی را در دهرام از  
در طبرستان در دهرام مولانا

رسیده در ده خرداد

ما بهرم هر که نیرم چو در آید  
شاید که در آید در خانه

از هر دو صلوات که گفته و ذکر

مستند به معرفت که در هر

بسم الله الرحمن الرحيم

کتاب جامع در کتب نظم و نثر  
در نظم و نثر و نثر و نظم

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱







چو دین که مبتدیان خورشید لاله  
عمر از در کبر و خرد از غمزه  
ناشد و دلم جاده کیم است از تو  
زبان بر لب زبانی که است کمال  
زرد کشته روشن بر لبه خاتم  
و هر که است اسکنان الفیض نایک  
عرق است در دشت کیم نایک ایاد  
هم نه در جو کشته چشم بر روی  
که هم دم روشن از جو کشته نایک  
نیم کیم جاده کار کیم کیم جاده کار

از به چای در دشت کیم  
خیمه بر سر دشت کیم کیم  
چند کیم کیم از دشت کیم  
سویسم از دشت کیم کیم  
کیم کیم از دشت کیم کیم  
کیم کیم از دشت کیم کیم  
کیم کیم از دشت کیم کیم  
کیم کیم از دشت کیم کیم

در صید کیم کیم از دشت کیم  
چند کیم کیم از دشت کیم  
از دشت کیم کیم کیم  
کیم کیم از دشت کیم کیم

در دشت کیم کیم از دشت کیم  
کیم کیم از دشت کیم کیم  
کیم کیم از دشت کیم کیم  
کیم کیم از دشت کیم کیم  
کیم کیم از دشت کیم کیم  
کیم کیم از دشت کیم کیم

کیم کیم از دشت کیم کیم  
کیم کیم از دشت کیم کیم  
کیم کیم از دشت کیم کیم  
کیم کیم از دشت کیم کیم  
کیم کیم از دشت کیم کیم  
کیم کیم از دشت کیم کیم



کتاب زوجه منکر کبیر  
شربت به که در حال سیر باشد

کوار مسو سر و مانع مارا

[illegible]











هم با حرم کوهستان شجره  
سوزد آتش را کردل رخ  
از غم و ران لم خون برآید  
عنبرین و کوه برآید  
ساقی در کوه ساقی  
جام سبز و دریا  
مطر بر کوه ساقی  
نظر در آید

رجحان و کوه ساقی  
نظر در آید

کوه در کوه ساقی  
نظر در آید  
رزان و کوه ساقی  
نظر در آید  
بعد در کوه ساقی  
نظر در آید  
خوار و کوه ساقی  
نظر در آید  
ساقی و کوه ساقی  
نظر در آید  
جان ساقی و کوه ساقی  
نظر در آید

نظر در آید  
نظر در آید

نظر در آید  
نظر در آید  
نظر در آید  
نظر در آید  
نظر در آید  
نظر در آید  
نظر در آید  
نظر در آید

نظر در آید  
نظر در آید  
نظر در آید  
نظر در آید  
نظر در آید  
نظر در آید  
نظر در آید  
نظر در آید



خورشید در آینه کعبه  
 ان صیقل افروزه از لعل حسن  
 نور صفا از در آینه  
 در آینه کعبه  
 سرشته در آینه کعبه  
 نعمت و مهر طبع  
 محمد در آینه کعبه  
 در آینه کعبه  
 نور صفا از در آینه  
 در آینه کعبه  
 سرشته در آینه کعبه  
 نعمت و مهر طبع  
 محمد در آینه کعبه

مست از دلقم و دوق سرور

کمرشکوه لیسند در منته

رفت از دم بخت و زنی  
 با سر داد و رفت خانه را  
 فاصد که زان کرد و رفت  
 صد و سیار و صد و سیار  
 رفت و رفت و رفت و رفت  
 رفت و رفت و رفت و رفت  
 رفت و رفت و رفت و رفت  
 رفت و رفت و رفت و رفت  
 رفت و رفت و رفت و رفت  
 رفت و رفت و رفت و رفت

زلف و خنجر زینت لب  
 مایلان نشوایف است و تو خنجر  
 کردم چاک قلم و قلم در دست  
 هر سخن در خنجر هم در دست

مستحق تہرہ و سکو پہن جس

محمد نور محمد زرار ط

جان فخرم از کوه کبریا  
 با هر نفس جز تو فغان ضعیف  
 زان کوه عظمی خرم خرم  
 فخرم شد در کوه زاده  
 مودم در کوه زاده  
 محسن زاده در کوه زاده  
 کرم فخرم در کوه زاده  
 بر کرم در کوه زاده  
 فخرم در کوه زاده

شده در این نوع و در این احوال



از آنکه من است ای جان من  
 چراغ کبریا که در دل من  
 چه از این جهان خفاش  
 در غلغل و بلبل مرغ من  
 و چه غیر شمس را در این  
 که با چرخ و خورشید من  
 به من برین سیمین فلک  
 که در غمت منم در حلق من  
 باغ و شمس من که در این  
 که در غمت منم در حلق من  
 بزم و شمس من که در این  
 که در غمت منم در حلق من  
 منم چو شمس در این  
 که در غمت منم در حلق من

چو شمس در این  
 که در غمت منم در حلق من  
 چو شمس در این  
 که در غمت منم در حلق من  
 چو شمس در این  
 که در غمت منم در حلق من  
 چو شمس در این  
 که در غمت منم در حلق من

چو شمس در این  
 که در غمت منم در حلق من  
 چو شمس در این  
 که در غمت منم در حلق من  
 چو شمس در این  
 که در غمت منم در حلق من  
 چو شمس در این  
 که در غمت منم در حلق من

چو شمس در این  
 که در غمت منم در حلق من  
 چو شمس در این  
 که در غمت منم در حلق من  
 چو شمس در این  
 که در غمت منم در حلق من  
 چو شمس در این  
 که در غمت منم در حلق من



زاده سنج که مفر از جانش   
 خاکی در کفش هم هرگز   
 زور و کینه بوی زور و کینه   
 غم که در لعلش است و لم   
 ناله در تنه شدن چو از کرب   
 ره ز جوی خرم و دیران و فانی

از جوی که رخت خاکی   
 از بنده ام زودی   
 ز لب جوی که خاکی   
 باز در جوی که کور   
 زان ریحون زدم در کور   
 در کور که از دم   
 در کور که از دم   
 بوی جان حق شسم زای

زور و کینه بوی زور و کینه   
 غم که در لعلش است و لم   
 ناله در تنه شدن چو از کرب   
 ره ز جوی خرم و دیران و فانی

از جوی که رخت خاکی   
 از بنده ام زودی   
 ز لب جوی که خاکی   
 باز در جوی که کور   
 زان ریحون زدم در کور   
 در کور که از دم   
 در کور که از دم   
 بوی جان حق شسم زای







عقلم کهنه را بر کرد  
روز و شب که باز شد  
نشست زور که در  
بدر کمر را که بر شد

از جسم کهنه را بر  
مهر فشر بر شد  
از زهر سر بر شد  
سها ما سر که در شد  
مهر شعله بر شد  
صد باغ را بر شد  
کسر را که بر شد  
بر مهر بر شد  
صد از رخ بر شد  
بنا بر که بر شد  
بنا بر که بر شد  
صد بر بر شد  
بنا بر که بر شد  
خدا که بر شد  
مست و بر شد  
مکمل بر شد

بر کوه لعل را بر شد  
نصیب بر شد  
بر کوه لعل را بر شد  
نصیب بر شد

کوه لعل را بر شد  
نصیب بر شد  
کوه لعل را بر شد  
نصیب بر شد  
کوه لعل را بر شد  
نصیب بر شد  
کوه لعل را بر شد  
نصیب بر شد  
کوه لعل را بر شد  
نصیب بر شد  
کوه لعل را بر شد  
نصیب بر شد  
کوه لعل را بر شد  
نصیب بر شد  
کوه لعل را بر شد  
نصیب بر شد

کوه لعل را بر شد  
نصیب بر شد  
کوه لعل را بر شد  
نصیب بر شد  
کوه لعل را بر شد  
نصیب بر شد  
کوه لعل را بر شد  
نصیب بر شد  
کوه لعل را بر شد  
نصیب بر شد  
کوه لعل را بر شد  
نصیب بر شد  
کوه لعل را بر شد  
نصیب بر شد  
کوه لعل را بر شد  
نصیب بر شد











[illegible]

مستور در این علم

حول شمس و زوایا

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

[illegible]

نظمیہ مشائخہ درجہ ہر  
حجت بحر عشق و دلفیہ اس

[illegible]



غم از سر داری که چو در  
 بهیمنه رخ خفا بر در  
 چو غم ز فتنه  
 رو که جا گرفت خفا بر در

کجایم در این شهر  
 خورشید در آید از این  
 دلم در این شهر است و کجای  
 به باکو بهشت زخم کرم  
 کجاست کرب در این شهر  
 مراد کور آید در این شهر

و اگر چه در همه مذهب

المعاني ووصفها كالمعاني  
الحكماء ووصفها كالحكماء

همان حدیث در کتب معتبره  
در شهر زاد می گردید

در چهارم که جسم کوبان  
که پیش از کرب و زاری

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين

در روز چهارم از کربلا

محمد

عجب میا که شما که شکر درین کوزه برادر نیست  
 چه عجب بن عزیز که درین سینه برادر نیست  
 برادر عجب در سینه و اعم

در حرم خود که لایق آن می باشد  
نعمت معنی بی غایت می باشد  
از آب زکویه امیر المومنان  
در حرم عبادت رده ام کردن

از حضرت زین العابدین علیه السلام  
که از آن محبت و در نظر دارد

ملک عالم لبر در شاهی خجسته

از سر به خطه نغضه کماله

سالم در سفر بفرماندهی حاکم  
از سفر سالم حاکم مربع و دیگران

[illegible]

در این مقام در هر روز یک بار

This image shows a blank, aged, cream-colored page, likely an endpaper or flyleaf of a book. The paper has a slightly textured appearance with some faint smudges and discoloration, characteristic of old paper. The left edge of the page is bound into a dark brown cover material. There is no text or other markings on the page.











مهم که دایع بر آن کرم  
فکر کردش در غم  
روز و شبم آن طبع بخت  
دایع حسرتش منم غلام  
چو در آسودگی بود  
بست حسرتش بر غلام  
مردم که درین ایام  
دایع حسرتش بگویم  
را که دروغ و حسرت  
بگویم حسرتش بگویم  
نور چشمش بر آن کرم  
بلا قدر تو حسرتش بگویم  
دعای شعله ایام  
بگویم حسرتش بگویم  
درین ایام  
بگویم حسرتش بگویم  
مهم که دایع بر آن کرم  
فکر کردش در غم  
روز و شبم آن طبع بخت  
دایع حسرتش منم غلام  
چو در آسودگی بود  
بست حسرتش بر غلام  
مردم که درین ایام  
دایع حسرتش بگویم  
را که دروغ و حسرت  
بگویم حسرتش بگویم  
نور چشمش بر آن کرم  
بلا قدر تو حسرتش بگویم  
دعای شعله ایام  
بگویم حسرتش بگویم  
درین ایام  
بگویم حسرتش بگویم

نظر کس بر کرم  
کرمش اگر حسرتش  
کرمش غم و حسرتش  
بست حسرتش بر غلام  
عاشق کس بر کرم  
دایع حسرتش بگویم  
مردم که درین ایام  
دایع حسرتش بگویم  
را که دروغ و حسرت  
بگویم حسرتش بگویم  
نور چشمش بر آن کرم  
بلا قدر تو حسرتش بگویم  
دعای شعله ایام  
بگویم حسرتش بگویم  
درین ایام  
بگویم حسرتش بگویم











مفت از بهر کوه در کوه کوه

جاءك انك لا تدرى فاعلم انك

[illegible]

جمعه شنبه و یکشنبه در روزهای مذکور

رکبہ لکھنؤ فرما کر رہا ہے کہ

ما به نام و در روز خلیفه  
 بانه در کعبه بنام جانشین  
 مرض منبک که در روز و فصل  
 با به حوضه علی بن حسین  
 چشم منم که چشمه که در حوض  
 علیه نام بن کعب و در روز و فصل

محمد

ما عین حق است در این دنیا  
 زینست که سر از حورم باز دارد  
 که از دینم در کبریا  
 سبب زلمه می  
 و کبریا سر از حورم باز دارد  
 دو عالم حسرت آن را چنان  
 محسوسم که هست میان  
 هر دو کائنات  
 نیست در کبریا  
 تا که نام در این دنیا

حاک در سوم کوزه کرم میرسد  
 آن در دو کوزه کرم میرسد  
 در غلای سیم میرسد  
 فیه که کرم میرسد  
 و آن سیم در کوزه کرم میرسد  
 این سیم در غلای سیم میرسد  
 شش سال بعد از این سیم کرم  
 در کوزه کرم میرسد







بره کاهم شرف برده شد  
 بر کلاه زنت برکت  
 کرم صد دایع بر جان  
 خوشترت صبرم شد  
 چه کرم کرم در ستم  
 کز از سون نهالت کوه افک  
 میسر بر سر زهر  
 لاله کرد زهره  
 بکام دل عشق با جگر  
 خوشترت صبرم شد  
 سنا نه نل شرف  
 چه شرف بر جان  
 به دره خوشترت  
 عشق بر سر زهره

شطوطه شرف برده شد  
 بهر غم از خوشترت  
 کرم صد دایع بر جان  
 خوشترت صبرم شد  
 چه کرم کرم در ستم  
 کز از سون نهالت کوه افک  
 میسر بر سر زهر  
 لاله کرد زهره  
 بکام دل عشق با جگر  
 خوشترت صبرم شد  
 سنا نه نل شرف  
 چه شرف بر جان  
 به دره خوشترت  
 عشق بر سر زهره

خلف







خدایه که همه ضایع شد  
 در بهر سرفشدم و بخت  
 که اگر شمشیر من خورده جزا  
 که ز دل زده شدم و بخت  
 بر سر من که همه کس را  
 که شمشیر من خورده جزا  
 در بهر سرفشدم و بخت  
 که ز دل زده شدم و بخت

فانی که همه ضایع شد  
 در بهر سرفشدم و بخت  
 که اگر شمشیر من خورده جزا  
 که ز دل زده شدم و بخت  
 بر سر من که همه کس را  
 که شمشیر من خورده جزا  
 در بهر سرفشدم و بخت  
 که ز دل زده شدم و بخت

خدایه که همه ضایع شد  
 در بهر سرفشدم و بخت  
 که اگر شمشیر من خورده جزا  
 که ز دل زده شدم و بخت  
 بر سر من که همه کس را  
 که شمشیر من خورده جزا  
 در بهر سرفشدم و بخت  
 که ز دل زده شدم و بخت

فانی که همه ضایع شد  
 در بهر سرفشدم و بخت  
 که اگر شمشیر من خورده جزا  
 که ز دل زده شدم و بخت  
 بر سر من که همه کس را  
 که شمشیر من خورده جزا  
 در بهر سرفشدم و بخت  
 که ز دل زده شدم و بخت























عشق از سواد کجاست که  
لا ادری حق و حلال

مختصر دہم طبعہ لکھنؤ چھاپخانہ

بسم الله الرحمن الرحيم

یاد روز و روزگار با کلام دهم

و بعد از آنکه در این کتاب که در این کتاب

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين

سید محمد حسن و سید محمد علی

رسم هر دو سوره در بر سه لایه  
محمد در لایه اول و علی در لایه

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

سید محمد بن علی بن ابی طالب علیه السلام  
سرور الانام و طاهر الانام

روند کاسه نهر ابراهیم با و از کمره  
ماله محمد بن احمد

دانهای سرسبز که در کافور  
لذت را فطرت بر این عالم

درآمد محمد در هر سال سی و پنج  
در هر سال محمد در هر سال سی و پنج

مجلس اول در بیان فضیلت علم و علمای دین

خلیجہ شریفہ شریفہ شریفہ  
صمدیہ شریفہ شریفہ شریفہ

*[Handwritten notes in Persian script at the bottom of the page.]*

تلاوة عاد و نذر  
عاجل دلم ارمطه

*[Faint handwritten notes at the bottom of the page]*

حکیم لکھنؤم سید محمد علی  
خانہ سید علی محمد علی

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

میرزا حسن میرزا علی  
میرزا حسن میرزا علی

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

و بعد از آنکه این کتب را در کتابخانه خود نگاه داشت و در وقت  
نیاز به آنها می‌برد و در وقت مرگ خود به پسر خود

بسم الله الرحمن الرحيم

ملا و سر و خوش و  
و این سه درم طلا و خوش و

رحمہ اللہ اولاد دلم غم عالم در غمش



کاش که من در سال دیو  
 حکم بس از هر افسر او  
 بشمار دست صد مرتبه  
 صفت صفت در کمال  
 بشمارم که در شش  
 کبریا که در شش  
 فصل در فصل

کونین به صفت برهمنش  
 صفت جوار و گوزل طایفه  
 مراد تو به بنهر او ماله مهره  
 رسیده به حال صفت مهره  
 نود در دشت لکمان خیرالیه مهره  
 صانع سر تودا قیافه رودان  
 سیر شیر لندم مال مهره  
 خوشم لبیات الطاهر اول  
 نور در مرغ رایل میردیم  
 نور زمانه روزم طایفه مهره  
 قلب به فقه حریف مهره  
 زحرف و زبانه چرخ مهره  
 مردمانه خوف در صلیف مهره

[illegible]











بچه کمر و مهر و ریه کمر  
 با صبر و کوشش و کمال  
 زینت با بر و عفت و صفا  
 به نفع و از آن کمال

حسرت و حسرت و حسرت  
 در ستم و درین با عیب و نقص  
 نعم و نعم و نعم و نعم  
 به حسرت و عجز و عجز  
 بدست و نام و نعم و نعم  
 در ستم و زود و زود  
 که نعم و نعم و نعم و نعم  
 در ستم و نعم و نعم و نعم

در عظم و در ستم و در ستم  
 که در نعم و نعم و نعم و نعم

حسرت و حسرت و حسرت  
 در ستم و در ستم و در ستم  
 به نعم و نعم و نعم و نعم  
 در ستم و نعم و نعم و نعم  
 در ستم و نعم و نعم و نعم  
 در ستم و نعم و نعم و نعم

فارغ و فارغ و فارغ  
 در ستم و در ستم و در ستم  
 در ستم و در ستم و در ستم  
 در ستم و در ستم و در ستم

حسرت و حسرت و حسرت  
 در ستم و در ستم و در ستم  
 به نعم و نعم و نعم و نعم  
 در ستم و نعم و نعم و نعم  
 در ستم و نعم و نعم و نعم  
 در ستم و نعم و نعم و نعم  
 در ستم و نعم و نعم و نعم  
 در ستم و نعم و نعم و نعم

حسرت و حسرت و حسرت  
 در ستم و در ستم و در ستم  
 به نعم و نعم و نعم و نعم  
 در ستم و نعم و نعم و نعم  
 در ستم و نعم و نعم و نعم  
 در ستم و نعم و نعم و نعم







[illegible]

کرم شرعی

آدم بهشت را در دوزخ

[illegible]

نیم شرق از رود زرلو به رود

و السلام و رحمة الله و بركاته

محمدرضا خان و محمد علی خان

حکایت از روزی که در آن روز که

مهرش در روزگار کم بود و در روزگار

[illegible]

مجلس غلام محمد خان و غلام محمد خان

۱۰۲

۱۰۰

حاشیہ احوال جلال و اوستی  
و فی الحقیقت در مقام

*[Faint handwritten notes at the bottom of the page]*

...میرزا ...

وہم ہرگز نہ کہو کہ وہاں

اول صبر بر غم و اندوه و سرخسایه

حدا ۱۰۰ م از دریا در ۱۰۰ م از دریا

[illegible]

ما در این عالم عمر میسر است  
چون عمر در این عالم میسر است

چشمه حله سالانه از دور

عشق و کرم از سر برده ز لعلم در

۱۵  
چون که در این کتاب است

بسم الله الرحمن الرحيم

بزرگوار است بر سر اید  
کار در هر دو دست بر سر اید

میرزا حسن و میرزا محمد

145







ما ریم به جوف غم زار خود  
 این قطره در سماع الوه خود  
 ما را در حد آتش کمال  
 این آیه را در هر چه کمال  
 عفا قافیه به رسم بر  
 لم نشسته هم ۱۲۵

[illegible][illegible][illegible][illegible]



















چون درختی در میان درختان  
بماند و شش درختان

و در میان درختان

غیر از درختان

که در میان درختان  
و در میان درختان

و در میان درختان  
و در میان درختان

و در میان درختان  
و در میان درختان

و در میان درختان  
و در میان درختان

و در میان درختان  
و در میان درختان

و در میان درختان  
و در میان درختان

و در میان درختان  
و در میان درختان

و در میان درختان  
و در میان درختان

و در میان درختان  
و در میان درختان

و در میان درختان

و در میان درختان  
و در میان درختان

و در میان درختان  
و در میان درختان

و در میان درختان  
و در میان درختان

و در میان درختان  
و در میان درختان

و در میان درختان  
و در میان درختان

و در میان درختان  
و در میان درختان

و در میان درختان  
و در میان درختان

و در میان درختان  
و در میان درختان

و در میان درختان  
و در میان درختان

و در میان درختان  
و در میان درختان

و در میان درختان  
و در میان درختان

و در میان درختان  
و در میان درختان



























در شهر دوم و سوم و حکیم است  
در شهر دوم و سوم و حکیم است

در شهر دوم و سوم و حکیم است  
در شهر دوم و سوم و حکیم است

در شهر دوم و سوم و حکیم است

در شهر دوم و سوم و حکیم است  
در شهر دوم و سوم و حکیم است

در شهر دوم و سوم و حکیم است

در شهر دوم و سوم و حکیم است  
در شهر دوم و سوم و حکیم است

در شهر دوم و سوم و حکیم است  
در شهر دوم و سوم و حکیم است

در شهر دوم و سوم و حکیم است

در شهر دوم و سوم و حکیم است  
در شهر دوم و سوم و حکیم است







[illegible][illegible]

روحه حقیقه

برو بخیر و بهر حال  
مغیر از این که  
بر فرزندانش در دهان  
لکرم در آن است

[illegible][illegible]



اهرم در کشتن غنیمت  
 نعم لدرودم در کشتن غنیمت  
 نعمت برین کشتن غنیمت  
 رحمت در کشتن غنیمت  
 هر چه بر لدرودم کشتن غنیمت  
 هر چه بر لدرودم کشتن غنیمت  
 هر چه بر لدرودم کشتن غنیمت  
 هر چه بر لدرودم کشتن غنیمت

هر چه بر لدرودم کشتن غنیمت  
 هر چه بر لدرودم کشتن غنیمت

اهرم در کشتن غنیمت  
 نعم لدرودم در کشتن غنیمت  
 نعمت برین کشتن غنیمت  
 رحمت در کشتن غنیمت  
 هر چه بر لدرودم کشتن غنیمت  
 هر چه بر لدرودم کشتن غنیمت  
 هر چه بر لدرودم کشتن غنیمت  
 هر چه بر لدرودم کشتن غنیمت

اهرم در کشتن غنیمت  
 نعم لدرودم در کشتن غنیمت  
 نعمت برین کشتن غنیمت  
 رحمت در کشتن غنیمت  
 هر چه بر لدرودم کشتن غنیمت  
 هر چه بر لدرودم کشتن غنیمت  
 هر چه بر لدرودم کشتن غنیمت  
 هر چه بر لدرودم کشتن غنیمت

اهرم در کشتن غنیمت  
 نعم لدرودم در کشتن غنیمت  
 نعمت برین کشتن غنیمت  
 رحمت در کشتن غنیمت  
 هر چه بر لدرودم کشتن غنیمت  
 هر چه بر لدرودم کشتن غنیمت  
 هر چه بر لدرودم کشتن غنیمت  
 هر چه بر لدرودم کشتن غنیمت



میں نے اس کو بڑا خوش

محمود شاه

[illegible]

از حسن و کرمه که در این

[illegible]

*(Faint handwritten Persian script)*

[illegible]















سر لعلش در پیش رو دارم  
و در عالم نیر در کجای  
هر خاسته نام تو در کجای  
که از کار و بار بر سر کجای  
مگر از دست تو در کجای  
و از دست تو در کجای  
مگر از دست تو در کجای  
و از دست تو در کجای

و از دست تو در کجای

بوی گلش در محرابم  
و در دوزخش در کجای  
بوی گلش در محرابم  
و در دوزخش در کجای  
بوی گلش در محرابم  
و در دوزخش در کجای  
بوی گلش در محرابم  
و در دوزخش در کجای

بوی گلش در محرابم

در محرابش در پیش رو دارم  
و در عالم نیر در کجای  
بوی گلش در محرابم  
و در دوزخش در کجای  
بوی گلش در محرابم  
و در دوزخش در کجای  
بوی گلش در محرابم  
و در دوزخش در کجای

بوی گلش در محرابم

در محرابش در پیش رو دارم  
و در عالم نیر در کجای  
بوی گلش در محرابم  
و در دوزخش در کجای  
بوی گلش در محرابم  
و در دوزخش در کجای  
بوی گلش در محرابم  
و در دوزخش در کجای







شد ز تو بگویم که چو من  
و کبر بر سر دلم خیزد  
از دست بجز در دستان و از دست  
که در خورشید ز من  
عمر ز کس که تو ز من  
و از کس که تو ز من  
درست که تو ز من  
جست که تو ز من  
فرست که تو ز من  
خویش که تو ز من  
مهر و وفا که تو ز من  
نظره که تو ز من  
چهره که تو ز من  
فرز که تو ز من  
چشم که تو ز من  
دست که تو ز من  
امید که تو ز من  
کام که تو ز من

ناله که تو ز من  
عشق که تو ز من  
عمر که تو ز من  
و کبر بر سر دلم خیزد  
از دست بجز در دستان و از دست  
که در خورشید ز من  
عمر ز کس که تو ز من  
و از کس که تو ز من  
درست که تو ز من  
جست که تو ز من  
فرست که تو ز من  
خویش که تو ز من  
مهر و وفا که تو ز من  
نظره که تو ز من  
چهره که تو ز من  
فرز که تو ز من  
چشم که تو ز من  
دست که تو ز من  
امید که تو ز من  
کام که تو ز من

مست که تو ز من  
مهر و وفا که تو ز من  
نظره که تو ز من  
چهره که تو ز من  
فرز که تو ز من  
چشم که تو ز من  
دست که تو ز من  
امید که تو ز من  
کام که تو ز من



























این کتاب هم مخصوص فرست

لکھنؤ ۲ مارچ ۱۸۵۷ء

از آن که در هر روز

سبحان ربی عما یشرکون  
بسم ربی الرحمن الرحیم

ص ۱۸۱

برای شکر مالک و شکر  
ز دل بر سر افروخته

سالمه و حسن و حسن

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

دشمن باشد علیه حق

بسم الله الرحمن الرحيم

شماره ۱۰۰

مؤمنان و مسلمانان و غیر مسلمانیان

[illegible]

در این روز که در روز جمعه است  
در این روز که در روز جمعه است

و در روز دوشنبه ۱۲۰۰

اور جانی سے مراد ہے

شماره ۱۰۰

مجلس دوم در روز شنبه

دلم ایستاده ام در این راه

رد دهن بر من و باک من  
است در دهن کوه من

جمہور ازاد  
محکم دلائل سے مزین

...  
 ...  
 ...

بود و در هر روز در هر روز  
بود و در هر روز در هر روز

در این کتاب که در این کتاب  
در این کتاب که در این کتاب

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين

بسم الله الرحمن الرحيم

بوضوح با آرد و در هر یک

۱. نوان در کمال خود را می  
 ۲. شایسته که در عین غمخیز

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

یہ سچ ہے اللہ کے ہر قسم کے



























کشته شد عین کشت  
مردی که باید رست لایه  
روکم فست خنجر کرب

حب و با دلا  
مالی که در دهر گداز  
آورد در ده سر دم رخ  
دلخیزد بازان در صید  
بدر دم کشت در غش خلم  
بدر دم کشت در غش خلم  
جدیت کرد که را دم بزم  
کار در زلزله جان مال  
مال کشت در غش خلم  
مست

خدا در هر کس که گداز  
کفتم که لا در دهر فست  
کفتم که لا در دهر فست

بغیر از در سیمه ام با لود  
افان هر طرف فست لایه  
در دم کشت در غش خلم  
روکم فست خنجر کرب  
مالی که در دهر گداز  
آورد در ده سر دم رخ  
دلخیزد بازان در صید  
بدر دم کشت در غش خلم  
بدر دم کشت در غش خلم  
جدیت کرد که را دم بزم  
کار در زلزله جان مال  
مال کشت در غش خلم  
مست

خدا در هر کس که گداز  
کفتم که لا در دهر فست  
کفتم که لا در دهر فست



لاله جوانی که ز رخسار خورشید  
 در جزیر سر سبز کلاه مروی  
 اگر که بخت عالم خیر را بدست  
 لایس و لایس جوانی که مروی  
 این که در لایس سر خاک و لایس  
 خسته و خسته و خسته و خسته  
 مغانی ز رخسار خورشید  
 چشم بخت جوانی که مروی  
 در چشم خورشید ز رخسار خورشید  
 در چشم خورشید ز رخسار خورشید  
 لاله زار ز رخسار خورشید  
 لاله زار ز رخسار خورشید

آمد امروز بار در سر  
 نازه شد خوار در سر  
 علم الکونین بخورده شد  
 علم الکونین در سر  
 بار در سر بار در سر  
 بار در سر بار در سر  
 لاله زار ز رخسار خورشید  
 لاله زار ز رخسار خورشید  
 بار در سر بار در سر  
 بار در سر بار در سر  
 لاله زار ز رخسار خورشید  
 لاله زار ز رخسار خورشید  
 بار در سر بار در سر  
 بار در سر بار در سر

لاله زار ز رخسار خورشید  
 در جزیر سر سبز کلاه مروی  
 و اما آن که ز رخسار خورشید  
 در جزیر سر سبز کلاه مروی  
 این که در لایس سر خاک و لایس  
 خسته و خسته و خسته و خسته  
 مغانی ز رخسار خورشید  
 چشم بخت جوانی که مروی  
 در چشم خورشید ز رخسار خورشید  
 در چشم خورشید ز رخسار خورشید  
 لاله زار ز رخسار خورشید  
 لاله زار ز رخسار خورشید

آمد امروز بار در سر  
 نازه شد خوار در سر  
 علم الکونین بخورده شد  
 علم الکونین در سر  
 بار در سر بار در سر  
 بار در سر بار در سر  
 لاله زار ز رخسار خورشید  
 لاله زار ز رخسار خورشید  
 بار در سر بار در سر  
 بار در سر بار در سر  
 لاله زار ز رخسار خورشید  
 لاله زار ز رخسار خورشید  
 بار در سر بار در سر  
 بار در سر بار در سر



کور و غم بر سر راه نایاب  
 کاش که در دام پندار نایاب  
 در کجای تو خورشیدیم درین  
 بهیبت غم ز سر راه نایاب  
 در این کجای تو خورشیدیم درین  
 بهیبت غم ز سر راه نایاب  
 ای کجای تو خورشیدیم درین  
 بهیبت غم ز سر راه نایاب  
 در این کجای تو خورشیدیم درین  
 بهیبت غم ز سر راه نایاب  
 ای کجای تو خورشیدیم درین  
 بهیبت غم ز سر راه نایاب

سیم و پنجم در مریض  
 عسر و دزدن و غم و کینه

ای کجای تو خورشیدیم درین  
 بهیبت غم ز سر راه نایاب  
 در این کجای تو خورشیدیم درین  
 بهیبت غم ز سر راه نایاب  
 ای کجای تو خورشیدیم درین  
 بهیبت غم ز سر راه نایاب  
 در این کجای تو خورشیدیم درین  
 بهیبت غم ز سر راه نایاب  
 ای کجای تو خورشیدیم درین  
 بهیبت غم ز سر راه نایاب

حال مست و سر در راه نایاب  
 خورشید و غم ز سر راه نایاب

ای کجای تو خورشیدیم درین  
 بهیبت غم ز سر راه نایاب  
 در این کجای تو خورشیدیم درین  
 بهیبت غم ز سر راه نایاب  
 ای کجای تو خورشیدیم درین  
 بهیبت غم ز سر راه نایاب  
 در این کجای تو خورشیدیم درین  
 بهیبت غم ز سر راه نایاب  
 ای کجای تو خورشیدیم درین  
 بهیبت غم ز سر راه نایاب

کور و غم بر سر راه نایاب  
 کاش که در دام پندار نایاب

ای کجای تو خورشیدیم درین  
 بهیبت غم ز سر راه نایاب  
 در این کجای تو خورشیدیم درین  
 بهیبت غم ز سر راه نایاب  
 ای کجای تو خورشیدیم درین  
 بهیبت غم ز سر راه نایاب  
 در این کجای تو خورشیدیم درین  
 بهیبت غم ز سر راه نایاب  
 ای کجای تو خورشیدیم درین  
 بهیبت غم ز سر راه نایاب



کبر رسم و عاقله و سر و کلاه  
 جگر لاله لاله لاله لاله لاله  
 زنده در کلاه و سر و کلاه  
 لاله لاله لاله لاله لاله لاله  
 باله لاله لاله لاله لاله لاله

بجای شاد و زنده و سر و کلاه

در بار و زنده و سر و کلاه

زنده و سر و کلاه و سر و کلاه  
 زنده و سر و کلاه و سر و کلاه  
 زنده و سر و کلاه و سر و کلاه  
 زنده و سر و کلاه و سر و کلاه  
 زنده و سر و کلاه و سر و کلاه  
 زنده و سر و کلاه و سر و کلاه  
 زنده و سر و کلاه و سر و کلاه  
 زنده و سر و کلاه و سر و کلاه

موج طبع و سر و کلاه و سر و کلاه

در شمع و سر و کلاه و سر و کلاه

در شمع و سر و کلاه و سر و کلاه  
 در شمع و سر و کلاه و سر و کلاه

کبر رسم و عاقله و سر و کلاه  
 جگر لاله لاله لاله لاله لاله  
 زنده در کلاه و سر و کلاه  
 لاله لاله لاله لاله لاله لاله  
 باله لاله لاله لاله لاله لاله

بجای شاد و زنده و سر و کلاه

در بار و زنده و سر و کلاه

زنده و سر و کلاه و سر و کلاه  
 زنده و سر و کلاه و سر و کلاه  
 زنده و سر و کلاه و سر و کلاه  
 زنده و سر و کلاه و سر و کلاه  
 زنده و سر و کلاه و سر و کلاه  
 زنده و سر و کلاه و سر و کلاه  
 زنده و سر و کلاه و سر و کلاه  
 زنده و سر و کلاه و سر و کلاه



نور جان فقید از پدر بزرگوار  
و کمال خوش طبع و روح و استعداد

فانما لرد دارم لرد و است و اگر

کند در ششم مردم

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم  
موسى عليه السلام

چون من رف رود اهل  
و کوه در مرکز رود در سمیع

حاجت من در حال و صدمه  
مستور شود و به نام خود

روایت چهارم از احمد بن محمد در مورد

[illegible]

پای بر سر خرم و خرم  
در دوزخ خرم و خرم

ربك لا تعلم الغيب  
فلا تأخذه الغيب

شماره اول از روزنامه

سید محمد علی میرزا شاهرودی

[illegible]

از این که در این کتاب

هزار بار راه عشق را بروم  
بهر بهانه عشق را بروم

خمس و شصت و نه

بیتین این رب و صمد العسی

کتابخانه کلاسیک و خطی  
بسم الله الرحمن الرحیم

نظر جو کمال اور درجہ

بدرخواب که خند و می خند

چند مسرود و مایه  
به این سرود و مایه

خداوند را در این روز جمعه  
و در این روز جمعه

ردا بید و درم ص ۴۷  
در راه چهره بید و درم ص ۴۸

و اما در اصل عام  
و اما در اصل خاص

مجلس ششم از شهر لایپزیگ

درآمد در آمد  
درآمد در آمد

... در هر کلام صحت ...  
... در هر کلام صحت ...

...































از کتب خطی و نسخ خطی در کتابخانه

چون در کف نهیم ز غم زخمی  
بغضت میگر در کف ز سر جری  
از شمع چو کبریا که جوت  
دفعه نهیم ز سر جری

در این روز که هرگز ضعیفی  
 صفا از آن که صفا از آن که صفا

در کتب معتبره  
 در کتب معتبره  
 در کتب معتبره

در این روز که در این روز  
 شهرت یافته است که در این روز  
 در این روز که در این روز  
 در این روز که در این روز

مفتی کبیر و سید پرورش  
مهر منافع صریح زرگان  
فرع صریح و صریح

حسنی زلفه در سم جویان  
بخت غریب سپهر

۱- چون که در صف قد در درخت  
 ۲- به کجاست که در درخت  
 ۳- در درخت که در درخت  
 ۴- در درخت که در درخت  
 ۵- در درخت که در درخت  
 ۶- در درخت که در درخت  
 ۷- در درخت که در درخت  
 ۸- در درخت که در درخت  
 ۹- در درخت که در درخت  
 ۱۰- در درخت که در درخت

بسم الله الرحمن الرحيم  
از سر نیک در کردن ما همساز و دوست در آرد دل

در دلمه شیراز نصف است  
 در این لحظه در گردن  
 شاست به جهان پست  
 سلطان هر دو سکه پست  
 ز شمشیر زخم زخم  
 در دلمه شیراز نصف است  
 در این لحظه در گردن  
 شاست به جهان پست  
 سلطان هر دو سکه پست  
 ز شمشیر زخم زخم

در روز دوشنبه بیستم ماه رجب  
 در روز دوشنبه بیستم ماه رجب  
 در روز دوشنبه بیستم ماه رجب  
 در روز دوشنبه بیستم ماه رجب

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

در آن حد و کثرت و کمال و کمال  
 در آن حد و کثرت و کمال و کمال  
 در آن حد و کثرت و کمال و کمال  
 در آن حد و کثرت و کمال و کمال

رفته بکتاب اگر چه در هر روز  
 آن برادر در هر دو هفته از هر روز  
 در هر روز در هر روز در هر روز  
 در هر روز در هر روز در هر روز

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript's content, possibly a list or a detailed description of the items.







[illegible][illegible][illegible]

۱- در این کتاب که در این کتاب  
 ۲- در این کتاب که در این کتاب  
 ۳- در این کتاب که در این کتاب  
 ۴- در این کتاب که در این کتاب  
 ۵- در این کتاب که در این کتاب  
 ۶- در این کتاب که در این کتاب  
 ۷- در این کتاب که در این کتاب  
 ۸- در این کتاب که در این کتاب  
 ۹- در این کتاب که در این کتاب  
 ۱۰- در این کتاب که در این کتاب

[illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰











دور از این شهر است که در آنجا  
در میان کوه ها و دریاها  
و در آنجا که در آنجا  
و در آنجا که در آنجا

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the previous page, mentioning names and titles.

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the list or a separate entry, mentioning various items and their quantities.



بر حرم خورشید پیکر  
 در سر جان مراد پیکر  
 کرم چون چوب بر جانور  
 انتر زنده در زنده پیکر  
 در دل عشق در سر جانور  
 معلق در چرخ فریاد  
 حاضر در غم زلف پیکر  
 بر کز زلف این فریاد



Handwritten Persian text, likely a library stamp or inventory record, mentioning "کتابخانه" (Library) and "تاریخ" (Date).





